

«فرهیختگان» گزارش رسانه‌های بین‌المللی از نمایش رئیس‌جمهور آمریکا و رهبران اروپا در دفتر ترامپ را مرور می‌کند

اعتراض به سیرک سفید



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

تحولات اخیر میان سه‌گانه روسیه، آمریکا و اروپا تیرتیک اکثر مطبوعات بین‌المللی شده و واکنش‌های متنوعی به‌دنبال‌داشته‌است. «فارن افرز» این دیپلماسی را به‌نمایش «لباس جدید امپراتور» تشبیه می‌کندو می‌گوید ترامپ هیچ برنامه واقعی‌ای برای صلح ندارد و این نمایش تنها به‌ضرر آمریکا و به نفع روسیه تمام می‌شود. «پولیتیکو» نظر دیگری دارد و استراتژی اروپا را تلافی حساب‌شده برای افشای «پلوف پوتین» می‌داند. نیویورک تا بمز یا لحنی خشن تر، به نکات عملی و ملموس دیداری پردازد و آن را یک تلاش «صمیمانه اما بی نتیجه» توصیف می‌کند. «کریدل» دیدگاهی کاملاً متفاوت دارد و می‌گوید این دیدار نه در باره اوکراین، بلکه در باره روابط میان دو قدرت هسته‌ای و جلوگیری از یک رویارویی بزرگ بود و آن را یک پیروزی استراتژیک برای روسیه می‌داند. «فارن پالیسی» با تمرکز بر نقش استیو ویتکاف، مشاور ترامپ این دیپلماسی را تلافی برای تحمیل یک «توافق ظالمانه» به اوکراین می‌داند.

فارن افرز: نمایش‌های ترامپ علیه آمریکا

گزارش مجله «فارن افرز» با عنوان «نمایش موزیانه دیپلماسی ترامپ در مورد روسیه و اوکراین»، تلاش‌های ترامپ برای پایان دادن به جنگ اوکراین را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد. نویسنده، این دیپلماسی را به داستان «لباس جدید امپراتور» تشبیه می‌کند و می‌گوید همان‌طور که در آن داستان، امپراتور لباسی بر تن نداشت؛ اما مردم به ظاهر از او ستایش می‌کردند، ترامپ نیز طری‌هیچ برای صلح ندارد اما رهبران بین‌المللی مجبورند این نمایش را تحسین کنند. فارن افرز روایت می‌کند که ترامپ خود را به عنوان محور دیپلماسی این جنگ معرفی کرده و مدعی است صلح تنها توسط او در کاخ سفید ساخته می‌شود. با این حال، گزارش تأکید دارد دولت ترامپ هیچ برنامه منسجمی ندارد و سیاست‌هایش مدام تغییر می‌کند. ترامپ از یک‌سویه دنبال‌آتش‌س است و از سوی دیگر از تعهد خود به اوکراین عقب‌نشینی می‌کند. نویسنده تحلیل می‌کند این رویکرد به دلیل عدم وجود اهرم فشار کافی بر روسیه (چون ترامپ هرگونه تشدید تنش را رد کرده) و اوکراین (چون این کشور برای بقای خود می‌جنگد و حمایت اروپا ندارد)، ناکارآمد است.

فارن افرز در بخش دیگری به نقد این نمایش و بررسی واکنش بازیگران اصلی می‌پردازد. این مجله می‌گوید هیچ‌یک از طرف‌ها از جمله مسکو، کیف یا اروپا، نمی‌خواهند نقش «سپرک داستان» را بازی کنند و حقیقت را بگویند. روسیه به دلیل همسویی ترامپ با مواضع

توصیه‌هایی به رئیس‌جمهور

ماه‌عسل تمام می‌شود

مرتضی قربانی

خبرنگار

ماه‌عسل، این واژه دل‌نشین و رومانتیک، یکی از خاص‌ترین دوره‌های زندگی مشترک هر زوج است. دورانی کوتاه و پر از هیجان که معمولاً میان عروسی و آغاز زندگی واقعی قرار می‌گیرد؛ آramش قبل از طوفان یا نور طلایی غروب پیش از تاریکی شب. این دوره، همان جایی است که همه چیز شیرین است؛ وعده‌ها تازه‌اند، خستگی‌ها هنوز نایماده و صورت‌ها یا لبخند‌هایی روشن‌تر از واقعیت تریزند شده‌اند.

اما هر کسی که ازدواج کرده باشد خوب می‌داند که ماه‌عسل اگرچه زیبا و دلرباست، اما دوام ندارد. سفره که تمام شد، چمدان که باز شد، زندگی واقعی شروع می‌شود؛ با قیض‌ها، با چاره‌خانه، با اختلاف نظر‌ها، با تقسیم کار و مسئولیت یا فهمیدن این حقیقت که عشق تنها کافی نیست. مدیریت، صبر، درک متقابل و گاهی گذشت بدون چشم‌داشت، چیزهایی است که زندگی را می‌سازد، نه فقط تبادل حلقه و عکس‌های دوفره در ایستگاهرام. ازدواج بدون آمادگی، مثل دولت‌داری بدون برنامه است. در هر دو، اگر فقط به «شیرینی آغاز» دلخوش کنیم، خیلی زود با تلخی واقعیت روبرو خواهیم شد.

سیاست هم‌ماه‌عسل دارد

در سیاست هم چیزی به‌نام ماه‌عسل وجود دارد؛ دوره‌ای کوتاه بعد از انتخاب یک رئیس‌جمهور یا تشکیل دولت که مردم با امید، رسانه‌ها با احتیاط و منتقدان با صبوری برخورد می‌کنند. وعده‌ها هنوز زنده‌اند، شعارها فراموش نشده‌اند و هنوز وقت قضاوت نیست؛ از همه جا شنیده می‌شود. اما این ماه‌عسل، درست مثل ازدواج، خیلی زود تمام می‌شود. آن وقت است که از دولت، به شعار، بلکه کارنامه می‌خواهند؛ نه تریجه، بلکه عملکرد؛ نه ژست‌های مردمی، بلکه تصمیمات ملموس برای زندگی واقعی مردم. دولت دکتر پزشکیان هم این روزها ماه‌عسلش به پایان رسیده و دیگر مدل راه رفتنش، ساده بودنش در نگاه مردم کم‌رنگ و کم‌رنج‌تر می‌شود. روز به روز لبخند‌ها کمتر و صدای انتقادات بیشتر می‌شود چون زندگی مردم در پی برقی و تورم منتظر نمی‌ماند تا ماه‌عسل مسئولان طولانی شود.

ازدواج با واقعیت؛ نه با رویا

یکی از مهم‌ترین اشتباهاتی که زوج‌های جوان می‌کنند، ازدواج با رویاست، نه با واقعیت. آن‌ها عاشق تصویر ذهنی خود از طرف مقابل می‌شوند، نه خود واقعی‌اش. نتیجه؟ چند ماه بعد از آغاز زندگی، همه چیز رنگ می‌یازد، و آنچه باقی می‌ماند، حیرت است و حسرت.

خود، از او حمایت می‌کند و حتی وانمود می‌کند که ترامپ یک «صلح‌ساز تمام‌عیار» است. به این ترتیب، روسیه می‌تواند از این فرصت برای تبلیغ خود به عنوان کشوری صلح‌دوست استفاده کند، درحالی‌که حلاشت به اوکراین ادامه دارد.

از سوی دیگر، اوکراین و اروپا نیز در موقعیت دشواری قرار دارند. آن‌ها می‌دانند تلاش‌های دیپلماتیک ترامپ «توخالی» است و تعهد او به امنیت اروپا سست است، اما مجبورند با او همکاری کنند. این گزارش می‌نویسد این وضعیت رهبران اروپایی را «تحقیر» می‌کند و باعث می‌شود نتوانند جنگ را به‌درستی برای مردم خود توضیح دهند. این مسئله در نهایت به نفع کرملین است، زیرا توجهات را از نیازهای حیاتی اوکراین (مانند پیهاده‌ها و پلاندند هوابی) منحرف می‌کند و به جای آن، به «گفت‌وگوهای بی‌فایده» در مورد تبادل اراضی می‌پردازد. فارن افرز نتیجه می‌گیرد این «نمایش دیپلماتیک» در نهایت به‌ضرر قدرت آمریکا تمام خواهد شد. این مجله می‌گوید دیپلماسی آشفته، بی‌ثبات و غیر قابل اعتماد ترامپ، اعتماد رهبران خارجی را از بین می‌برد و ائتلاف‌ها را بی اعتبار می‌کند. در نهایت، این نمایش خودشیفتگی ترامپ، شکاف بین لفاظی و واقعیت را نمایان می‌سازد و به قدرت آمریکا آسیب می‌زند.

پولیتیکو: راهبرد اروپایی «تجمید اثر ترامپ»

نشریه «پولیتیکو» در گزارشی با عنوان «اروپا معتقد است مذاکرات صلح ترامپ شکست می‌خورد، با این حال آن را می‌خواهد تا بلوف پوتین را افشا کند»، به رویکرد اروپایی‌ها در قبال تلاش‌های دیپلماتیک ترامپ می‌پردازد. گزارش بر خلاف گزارش فارن افرز که این دیپلماسی را نمایشی و بی‌ثمر می‌داندست، به تأتیک حساب‌شده اروپا در این زمینه اشاره می‌کند. پولیتیکو روایت می‌کند رهبران اروپا با اعتقاد دارند پوتین در مذاکرات صلح جدی نیست؛ به همین دلیل، استراتژی آن‌ها این است که با ترامپ همراهی کنند و از او تمجید نمایند تا خود ترامپ به این نتیجه برسد که پوتین به دنبال صلح نیست و باید در برابر کرملین سخت‌گیرانه‌تر عمل کند. این رویکرد به عنوان یک وضعیت «درد-برد» تلقی می‌شود. به این صورت که یا ترامپ موفق می‌شود صلحی با تصمیم‌های امنیتی معنادار برقرار کند (که اروپا را خوشحال خواهد کرد) یا بلوف پوتین افشای می‌شود و فشار برای تحریم‌های سخت‌تر علیه روسیه افزایش می‌یابد. پولیتیکو به نقل از امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه می‌نویسد او معتقد است پوتین به دنبال «تسلیم اوکراین» است نه صلح. در واقع، پوتین به جای ارائه امتیاز، به دنبال تصرف مناطق بیشتری از اوکراین است. گزارش اشاره می‌کند رهبران اروپایی، از جمله اورزولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا، پس استراتژیک‌ترین گدیرکل ناتو و سران فرانسه، انگلیس و آلمان به واشنگتن سفر کردند تا از ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین در دیدارش با ترامپ حمایت کنند. هدف آن‌ها از این دیدار‌ها این بود که تلاش‌های ترامپ برای میانجیگری را تأیید کنند، نه به

این دلیل که فکر می‌کردند این تلاش‌ها موفق خواهد بود، بلکه به این دلیل که این یک «آزمون روشن برای نیت روسیه» است. به گفته چندین دیپلمات اروپایی، اگر پوتین ثابت کند که نمی‌خواهد جنگ را پایان دهد، این امر ترامپ را وادار به اقدام خواهد کرد و دلیل محکمی برای اعمال تحریم‌های بیشتر خواهد بود. آن‌ها اعمال فشار تحریمی آمریکا را برای این روند دیپلماتیک حیاتی می‌دانند و معتقدند پوتین تنها پس از اعمال تحریم‌ها علیه خریداران نفت روسیه (مانند هند)، با ترامپ وارد مذاکره شده است.

در نهایت، پولیتیکو نتیجه می‌گیرد که هر چند این روند دیپلماتیک آشفته به نظر می‌رسد، اما رهبران غربی شدیداً مطمئن هستند که می‌توانند با ترامپ کار کرده و جبهه‌ای متحد حفظ کنند. این نشریه می‌گوید مهم‌ترین نتیجه این دیدار‌ها این است که حتی خود ترامپ نیز علناً اذعان کرده که پوتین ممکن است در مذاکرات خود حسن نیت نداشته باشد و اگر این واقعیت اثبات شود، اوضاع سخت خواهد شد.

کریدل: ترامپ در خدمت بریکس

مجله کریدل (the cradle) در گزارشی با لحنی تند و متفاوت، دیدار اخیر ترامپ با پوتین و سپس رهبران اروپا را نه در مورد جنگ اوکراین، بلکه در مورد روابط میان دو قدرت هسته‌ای و تلاش آن‌ها برای جلوگیری از یک رویارویی هسته‌ای می‌داند. این مجله روایت می‌کند که با این دیدار، روسیه عملاً از سوی ایالات متحده به عنوان یک قدرت هم‌تراز به رسمیت شناخته شد. این رویکرد به معنای بازگشت دیپلماسی در بالاترین سطح است، درحالی‌که در این میان، اروپا با اعزام رهبران خود به واشنگتن تنها در حال «تعظیم» بر برابر امپراتور» است. از دید کریدل، سرنوشت تحاحیه اروپا به عنوان یک بازیگر «بی‌اهمیت ژئوپلیتیکی» رقم خورده است.

بر اساس اطلاعات منابع نزدیک به هیئت روسی، نتایج کلیدی این دیدار تأکید می‌کنند پوتین قاطعانه در خواست کرده که تحویل تسلیحات آمریکایی به اوکراین متوقف شود و آمریکایی‌ها نیز پذیرفته‌اند که لازم است «محموله‌های مرگبار را به شدت کاهش دهند.» با این اتفاق، وظیفه حمایت از اوکراین به عهده اروپا می‌افتد. کریدل می‌نویسد اروپا با یک دوراهی جدی روبرو است؛ یا حمایت مالی یا حمایت نظامی، نه در هر دو طرف هم‌زمان. در غیر این صورت اتحادیه اروپا سریع‌تر از آنچه که انتظار می‌رود از بین خواهد رفت.

گزارش کریدل همچنین به نقل از دبیرتی مدفوف، رئیس‌جمهور سابق روسیه اشاره می‌کند که مسئولیت پایان دادن به خصومت‌ها مستقیماً بر عهده «کی‌یف و اروپا» گذاشته شده‌است. در بخشی دیگر، کریدل به نقش روسیه به عنوان نماینده گروه بریکس می‌پردازد گزارش

می‌نویسد پوتین پیش از این دیدار، باشی چین پینگ، رئیس‌جمهور چین گفت‌وگو کرده بود و در مذاکرات آلاسکا توانست منافع کشورهای بریکس را پیش ببرد. به عنوان مثال، ترامپ اعلام کرد فعالیت‌نایز به اعمال تعرفه بر خریداران نفت روسیه نیست. این امر به روسیه فضایی برای پیشبرد منافع کشورهای بریکس می‌دهد.

این گزارش نتیجه می‌گیرد که هر چند ترامپ پوتین یک «بازی بلندمدت» را دنبال می‌کنند، اما در هویه دنبال بازگشت به «کسب‌کار سودآور» هستند. این گزارش دیدار رهبران دو کشور را یک موفقیت استراتژیک برای روسیه می‌داند و آن را «شکست» برای جبهه «آتلانتیس» در اروپا توصیف می‌کند. به گفته کریدل، اروپا به دنبال حفظ جنگی است که برای سیاستمداران اروپایی یک «مانکسیسم پول‌شویی عظیم» محسوب می‌شود. از این دیدگاه، دیدار‌های اخیر آلاسکا و واشنگتن فرو پاشی «جبهه آتلانتیس» را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند ایالات متحده به دنبال اروپایی مطیع است که برای خرید تسلیحات آمریکایی هزینه‌های سنگینی را متحمل شود.

فارن پالیسی: فشار ترامپ به اوکراین

برای پذیرش شکست

فارن پالیسی با لحنی تند به بررسی نقش استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ می‌پردازد و او را «وزیر امور خارجه سایه» می‌نامد. این گزارش می‌گوید فرایند مذاکرات بدون ویتکاف در این وضعیت «بد» قرار نمی‌گرفت. این مجله ادعا می‌کند ویتکاف اغلب کارشناسان وزارت امور خارجه را از جلسات خود با روس‌ها حذف کرده و گاهی تنها به مترجم‌های اران‌شده توسط کرملین اکتفا کرده که این یک «تخلخل و حشنتاک از رویه‌های دیپلماتیک» است. فارن پالیسی اضافه می‌کند ویتکاف حتی نام برخی از استان‌های اوکراین را که در مورد سرنوشت آن‌ها مذاکره می‌کند، نمی‌راند. از دید فارن پالیسی، ویتکاف با تکرار لفاظی‌های کرملین، طرف پوتین را گرفته است. او ادعاهای دروغین روسیه در مورد تبعیض علیه روس‌زبان‌ها در اوکراین را تکرار کرده و گفته است «پوتین مرد بدی نیست» و «به آنچه انجام می‌دهد باور دارد.» این گزارش این دیدگاه را با دیکتاتور‌های مقایسه می‌کند که سعی در نابودی کشورهای همسایه خود دارند. در پایان، فارن پالیسی نتیجه می‌گیرد که هر چند ترامپ دیدار با زلنسکی لحن خود را بهتر کرد، اما این امر واقعیت اصلی را تغییر نمی‌دهد که ایالات متحده در حال فشار به اوکراین برای واگذاری قلمرو به روسیه متجاوز است. فارن پالیسی با انتقاد از این رویکرد، می‌پرسد آیا اوکراینی‌های سرسخت و حامیان اروپایی شان، واقعاً چنین توافق «ظالمانه و ناعادلانه‌ای» را خواهند پذیرفت؟ مجله این پرسش را مطرح می‌کند که تا زمانی که ریشه اصلی درگیری یعنی روسیه مورد توجه قرار نگیرد، هیچ راه‌حلی به پایان واقعی جنگ منجر نخواهد شد.

جست‌الاسلام ره‌دار به مناسب سالروز به‌آتش کشیده شدن مسجدالاقصی تشریح کرد

دیپلماسی مساجد

پیاده‌روی «اربعین» است. راهپیمایی عظیم اربعین، قائم به دولت‌ها نیست، بلکه می‌توان گفت انتخابی است که (به‌عنوان مثال) مردم ایران و عراق انجام داده‌اند. حول این انتخاب با هم تعامل می‌کنند؛ هزینه‌های آن را تأمین می‌کنند؛ رفت‌وآمد و اسکان و... به عبارتی کلیه نشون آن توسط مردم اداره می‌شود.

وی با بیان این نکته که مسجد پایگاهی برای حوزه «دیپلماسی عمومی» است، تأکید کرد: «این بدان مفهوم است که مسجد می‌تواند کانونی باشد برای فعالیت‌هایی که وزارت امور خارجه مسا برای دیگر ملت‌ها دارد. به‌عنوان مثال وزارت امور خارجه ما می‌تواند برخی برنامه‌ها در حوزه فرهنگ عمومی را از طریق مساجد جدی که در کشورهای مقصد قرار دارند، انجام دهد. کم‌اینکه عملاً هم ما این کار را انجام می‌دهیم.»

دکتر رهدار تصریح کرد: «ما در رابطه با این دسته از کشورهای اروپایی که روابط دیپلماسی ما با آن‌ها چندان خوب نیست، بسیاری از کارها و برنامه‌های فرهنگی را در آنجا از طریق مساجد انجام می‌دهیم. نمونه بارز آن «مسجد هامبورگ» بود که متأسفانه در سال‌های اخیر بسته شد؛ اما ما همچنان در اروپا مساجدی داریم که در حال فعالیتند و اغلب هم سیاست‌گذاری این فعالیت‌ها در وزارت امور خارجه و سفارت انجام می‌شود. اما ایچنت بیرونی آن، «متولیان مسجد»، «امام مسجد» و... هستند.

وی خاطر نشان کرد: در گام دیگر، مسجد می‌تواند در لایه «دیپلماسی شهروندی» محور باشد. به‌عنوان مثال فعالیت‌هایی که مسجد مقدس جمکران یا مسجد سهله در کوفه دارند. یا به شکل کلی همه مساجد. شما می‌بینید در ایام جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، امام جماعت مسجد زیتونه در تونس، بیانیه‌ای منتشر کردند - در همان اثنای جنگ - و از مردم تونس خواستند که نماز عصر را در مسجد اجتماع کنند و بعد از نماز متفرق نشوند بلکه در مسجد بمانند و بیرون پیروزی مردم ایران دعا کنند.»

عضو هیئت‌علمی دانشگاه باقر العلوم علیه‌السلام این نوع ارتباط را یک نوع ارتباط «مسجد و یک ملت» و بشمرد و افزود: «در ماجرای لبنان، پوشی به نام «ایران همدل» در کشور برگزار شد که اغلب کانون‌های مرکزی و راهبری این پوش مساجد بودند. یا در ماجرای کرونا مساجد یک نقش کاملاً عمومی پیدا کردند.»

حجت‌الاسلام رهدار خاطر نشان کرد: «در مجموع و به شکل کلی می‌توان گفت مسجد می‌تواند در دیپلماسی یک کانون باشد؛ اما دیپلماسی در روزگار ما سه شاخه تخصصی و نسبتاً متفاوت پیدا کرده و شاخه‌ای که تناسب بیشتری با مسجد دارد «دیپلماسی عمومی» و «شهروندی» است و برنامه‌ها و اقدامات ذیل این دو نوع از دیپلماسی در محدوده فعالیت‌های مسجد قرار می‌گیرند.»

هویت اجتماعی مشترک منجر می‌شود. این هدیه جنگ به افراد داخل آب‌آرت‌مان است، به تهران‌مانده‌هاست.
تایخ از مایش‌های مختلف اجتماعی هم گویای همین نکته‌اند که: بین احساس سرنوشت مشترک و شکل‌گیری‌هویت اجتماعی مشترک رابطه مستقیم وجود دارد. این هویت اجتماعی مشترک با خود پیامدهایی به همراه دارد که مهم‌ترین آن همین انسجام اجتماعی است که در دوما گذشته همه ما مصادیقی از آن را تجربه کردیم؛ مثلاً رفتارهای مدنی معمول که در حالت عادی هم برای انسجام اجتماعی یک ضرورت محسوب می‌شوند، در دوران جنگ بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کنند.

دقت کرده‌اید تا چند وقت پس از جنگ، در رانندگی چقدر نفر به شما راه داده‌اند؟ یا در سوار شدن به مترو، صف نانوالی و پمپ‌بنزین، برای نوشتن نام‌هوی زنند؟ آدها با هم مهربان‌تر شده‌اند و کلاً کمتر به هم گیر می‌دهند؟ این‌ها همه حاکی از آن است که هویت اجتماعی مشترک، پایدندی به هنجارهای مدنی مردم و راه تقویت می‌کند و این هنجارها همان چیزهایی هستند که ما را [آما] می‌کنند.

وقتی مرزهای بین [من و ما] کم‌رنگ می‌شوند، رنج‌ها و نیازها هم جمعی تعریف می‌شوند، افراد انگیزه پیدا می‌کنند که حتی با تحمل هزینه‌های شخصی سنگین، دیگران کمک کنند یا حداقل نیازهای شخصی خود را در اولویت بعدی قرار دهند.

تا مسافرش قهوه‌هایمان آماده‌شود، به کناروشی طبقه بالا رفتم و یک اسکا‌رتل دهه شصت خریدم؛ مجموعه‌شعری است از افشاریان سمت آستیرخانه و قسم بعد از سلام و احوال‌پرسی و لسو‌زی و دلجو‌ی به خاطر جای خالی صحنه‌های تاتار. کتاب را به او دادم تا یادنامه‌ای

جان درو‌ری، روان‌شناسان اجتماعی انگلیسی (۲۰۱۲) با ارائه الگوی هیویت اجتماعی تاب‌آوری جمعی، اتفاقی که در آب‌آرت‌مان و در مقیاسی بزرگ‌تر در تهران و حتی ایران رخ داد را تبیین می‌کند.

آن روز کافه آب‌آرت‌مان، واحد کوچکی از جامعه بود که تاب‌آوری اجتماعی بالایی در آن احساس می‌شد. تاب‌آوری اجتماعی، یک توان بالقوه یا زایدده جمع/ اجتماع است که به کمک آن افراد یک جامعه با ایجاد یک [آمای جلبدی، می‌توانند با بحران‌هایی مثل جنگ مسلح‌ا‌زاری پیدا کنند، بگویند، ب‌خندند و قهقهه بزنند؛ انکار قرار نیست شب‌هنگام، آماج موشک‌های دشمن باشند.

وفا‌داری به روابط پیشینی مثل روابط خانوادگی و دوستانه، امر روشنی است، اما احساس [آما] بودن، شکلی از هویت اجتماعی را می‌سازد که ماهیت انسجام جامعه ایرانی -ولو در دوره‌ای کوتاه‌مدت و موقت- را تزئیه می‌کند. درو‌ری در این رابطه می‌گوید: «در بحران‌هایی مثل جنگ، درک مفهوم سرنوشت مشترک (Common Fate)، [آمن] در برابر دیگران را، [آما] در برابر بحران/ جنگ تب‌یل می‌کند.»

این یعنی تجربه سرنوشت مشترک، حس «ما بودن» ایجاد می‌کند. به باور فریتز (۱۹۹۶)،

در این شرایط مرجع تجربه از «فقط من رنج برده‌ام» به «ما همگی رنج برده‌ایم و همه ما درگیر آن هستیم» تغییر می‌کند؛ من به اجتماع کافه می‌پیوندم و من در تهران می‌مانم که اگر

اتفاقی افتاد، برای [همه ما] بیفتد.

در جنگ، همه و بدون تبعیض تحت تأثیر آسیب‌قرار می‌گیرند و شاهد یک فرو پاشی موقت در تمایزهای طبقاتی، قومی و حتی سلسله‌مراتبی هستیم که در نهایت به شکل‌گیری



پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۴



شماره ۴۴۸۹



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE